

- هو العليم -

عنوان:

وحدت وجود با دلیل عقلی و مقدمات نقلی اثبات نمی شود



دکتر وحید باقرپور کاشانی



@SERATEHAGHI

مرحوم علامه‌ی طهرانی کتابی دارند در ۳ جلد
با عنوان الله‌شناسی.

در جلد دوم، صفحه‌ی ۱۶۰ می‌فرمایند:
«و به حقیقت، موجب این مذاهب مختلفه،
توهم غیریت وجوب واجب و ممکن کردند».
می‌گویند مذاهب مختلف غیر از این مذهبی که
ایشان مطرح می‌کند، غیریتی بین خدا و خلق
هست!

«و ادراک توحید حقیقی جز به کشف و شهود
میسر نیست».

پس فقط آن توحید حقیقی را با مکاشفه
می‌توانیم به دست بیاوریم!

«و نسبت عقل با مکشوفات همچون نسبت
حواس است با معقولات».

ببینید شما آیا آن چیزی که عقل درک می‌کند را
با چشمت می‌توانی ببینی؟

کلی‌سازی نمی‌توانی ببینی! بلکه یک ابزار
خاصی دارد! عقل هست، مُدرکاتی دارد؛ حس،
مدرکات مختص به خود دارد!

آن چیزی که عقل درک می‌کند را که با حس
نمی‌شود دید!

می‌فرمایند آن چیزی هم که با کشف درک
می‌شود با عقل درک نمی‌شود!



عسکری
سید مرتضی
المهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَىٰ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ



عسکری
سید مرتضی
الطهرانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى

عبارت را دقت بفرمایید!

«و ادراک توحید حقیقی جز به کشف و شهود میسر نیست، و نسبت عقل با مکشوفات همچون نسبت حواس است با معقولات که چنانچه حواس ادراک معقولات نمی‌توانند نمود، عقل نیز ادراک مکشوفات نمی‌تواند کرد. هر که خواهد به دلائل خدادان شود، هر چند تمهید مقدمات، ادله و براهین زیاده‌تر خواهد نمود، مقرر است که از حق دورتر می‌شود». هر کسی از طریق عقل می‌خواهد خدا را بشناسد، از خدا دارد دور می‌شود! فاصله می‌گیرد!

«و موجب ازدیاد حیرت و ضلال خواهد بود». ببینید آن توحید حقیقی که عدم غیریت بین خالق و خلق هست، یک وجود هست را، می‌فرمایند چی؟! می‌فرمایند جز به کشف میسور نمی‌شود!

این یک مطلب!

نمونه‌ی دیگری بخوادم مثال بزنم، در همین کتاب روح مجرد که یادنامه‌ای نسبت به استاد خودشان آقای حداد هست؛ ایشان نقل قول‌هایی را می‌آورند و تأیید می‌کنند.



عسکری
پیامبر
المهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى

صفحه‌ی ۳۷۹ می‌فرمایند:
«بنابراین منکر وحدت وجود، منکر توحید
است.»

یعنی اگر یک نفر بگوید غیریتی بین خدا و
خلق هست، یعنی توحید را قبول ندارد!
بعد در ادامه نقل قول‌هایی می‌آورند:
«و ایضاً مستند شیخ (ابن عربی) در وحدت
وجود، کشف صحیح و ذوق صریح است، نه
دلیل عقلی یا مقدمات نقلی.»

می‌گویند این چیزی که ابن عربی مطرح
کرده، بحث کشف است! با کشف به وحدت
وجود رسیده! نه اینکه فرض کنید با آیات و
روایات رسیده به این مطلب! یا نه ادله‌ی
عقلی اقامه کردند!



عسکری
میرزا
محمد
باقر
الکاملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
رَسُولِهِ الْكَرِيمِ

بعد می فرمایند که:

«حضرت میرسید شریف در حواشی شرح

تجرید می فرمایند:

«إِنْ قُلْتَ: مَاذَا تَقُولُ فِي مَنْ يَرَى أَنَّ الْوُجُودَ مَعَ

كُونِهِ عَيْنَ الْوَاجِبِ وَغَيْرَ قَابِلٍ لِلتَّجَزِّي وَ

الانْقِسَامِ، قَدْ انْبَسَطَ عَلَى هَيْكَلِ الْمَوْجُودَاتِ،

يُظْهَرُ فِيهَا فَلَا يَخْلُو عَنْهُ شَيْءٌ مِنَ الْأَشْيَاءِ بَلْ هُوَ

حَقِيقَتُهَا وَعَيْنُهَا؛ وَإِنَّمَا امْتَازَتْ وَتَعَدَّدَتْ

بِتَقْيِدَاتٍ وَتَعْيِنَاتٍ اِعْتِبَارِيَّاتٍ، وَيُمَثِّلُ ذَلِكَ

بِالْبَحْرِ وَظُهُورِهِ فِي صُورَةِ الْأَمْوَاجِ الْمُتَكَثِّرَةِ مَعَ

أَنَّهُ لَيْسَ هُنَاكَ إِلَّا حَقِيقَةُ الْبَحْرِ فَقَطْ؟

قُلْتُ: هَذَا طَوْرٌ وَرَاءَ طَوْرِ الْعَقْلِ، لَا يَتَوَصَّلُ إِلَيْهِ إِلَّا

بِالْمُشَاهَدَاتِ الْكُشْفِيَّةِ دُونَ الْمُنَاطَرَاتِ الْعَقْلِيَّةِ.

وَ كُلُّ مَبْسُورٍ لِمَا خُلِقَ لَهُ.



اگر بگویی رأی تو چیست درباره‌ی کسی که وجود را چنان می‌بیند که در عین آنکه حقیقت واجب است و قابل تجزیه و انقسام نیست، مع ذالک بر پیکرهای موجودات، گسترده شده و در تمام اشیاء ظهور نموده به طوری که چیزی از آن خالی نمی‌باشد، بلکه آن وجود، حقیقت اشیاء و عین اشیاء است؛ و امتیاز و تعدّد و تقیّد و تعین اشیاء به واسطه‌ی اعتباریات است و آن را مثال می‌زنند به دریا و ظهور دریا در صورت و شکل امواج کثیره با آنکه در حقیقت، چیزی غیر از حقیقت دریا و آب در میانه نیست. من می‌گویم این معنی را با قوای عقلانی نمی‌توان ادراک نمود. بلکه باید با مشاهدات کشفیه آن را دریافت، نه با گفته‌های بحثی و مناظرات عقلی. و راه هر کسی برای آنچه که وی برای آن آفریده شده باز و آسان است.»

ببینید چندتا مسأله است؛

یکی اینکه یک تقریری نسبت به وحدت وجود ارائه می‌کنند؛ می‌فرمایند این کثرات این مخلوقات این موجودات، مثل موج دریا هستند؛ این موجی که نگاه می‌کنی آیا غیر از آب چیزی هست؟ غیر دریا چیزی هست؟ چیزی نیست!

حالا آیا این وحدت وجودی که مطرح می‌کنیم با بحث‌های عقلی، مناظرات عقلی، تضارب آرا در مباحث عقلی می‌شود به آن رسید؟

می‌گویند نه اصلاً این‌ها کار عقل نیست! این‌ها فقط با مکاشفات می‌توانیم برسیم! ایشان این را می‌آورند و تأیید می‌کنند!

